



نهضت علمی امام باقر (ع) زنگار از رخ آینه اسلام زدود

فعالیت فرهنگی امام محمدبن علی(ع)، نهضت علمی مقدسی بود که در صحنه جهاد فرهنگی به پرچمداری امام معصوم، آگاه و باقرالعلوم، سنگرهای جهل و نادانی را یکی پس از دیگری فتح کرد و زنگار از رخ آینه اسلام زدود.

فعالیت فرهنگی امام محمدبن علی(ع)، نهضت علمی مقدسی بود که در صحنه جهاد فرهنگی به پرچمداری امام معصوم، آگاه و باقرالعلوم، سنگرهای جهل و نادانی را یکی پس از دیگری فتح کرد و زنگار از رخ آینه اسلام زدود. در میان تیرگی‌ها و آشفتگی‌ها، عظمت امام باقر (ع) چون خورشید درخشانی بود که جهان اسلام از پرتو پرفروغش بهره می‌گرفتند، مهابت معنوی حضرت زبازد خاص و عام بود، هر جا سخن از والایی هاشمیان، علویان و فاطمیان به میان می‌آمد؛ آن وجود مقدس را یگانه وارث آن همه کرامت، بزرگواری و شجاعت می‌شناختند، راستگوترین اشخاص، جذاب‌ترین چهره‌ها، بخشنده‌ترین انسان‌ها و قوی‌تر از همه به لحاظ معرفت، بصیرت به همراه هاله‌ای از معنویت قدسی، از مختصات پنجمین پیشوای شیعیان در میان جوامع اسلامی بود.

امام باقر (ع) حدود 4 سال از دوران امامت جدش حسین بن علی (ع) و حدود 37 سال دوران امامت پدر بزرگوارش را درک کرد، دوران زندگی او با حکمرانی 10 تن از خلفای اموی، از معاویه تا هشام مقارن بود و مدت 19 ساله امامتش با 5 خلیفه اموی از ولید تا هشام معاصر بود، پس از استمرار امویان، سیاست‌های ضدعلوی و ضداسلامی آنان شدت بیشتری پیدا کرد.

* اقدامات شیعیان در زمان امام باقر (ع) بنیان حکومت اموی را سست کرد

در آن زمان گرایش‌های مختلف مذهبی در جامعه وجود داشت و پیروان هر یک، داعیه حکمرانی و خلافت داشتند. 1- یاران امویان که بیشتر آنان را اهل سنت و جماعت تشکیل می‌دادند، مؤید و کمک کننده خلفای اموی بودند. 2- شیعه و علویان که خلافت را در فرزندان امام علی (ع) منحصر می‌دانستند و برای احقاق حق از دست رفته، تلاش‌هایی انجام دادند؛ گرچه به دلایل مختلفی همواره ناکام ماندند، اما اقدامات آنها، بنیان دولت و حکومت اموی را سست می‌کرد. 3- خوارج، حکومت حاکمان و خلفای جور و فاسد را نامشروع می‌دانستند و برای سرنگونی آنان تلاش می‌کردند. 4- عباسیان، مقتدرترین گروه مخالفانی بودند که با صبر و حوصله تمام، در طول 34 سال مبارزه پنهانی در جغرافیای سیاسی وسیع از خراسان گرفته تا عراق به تبلیغ پرداختند و با شعار گول زنده و زیبایی «؛ الرضا من آل محمد (ص)«؛ توانستند بخشی از گروه‌های مخالف را به خود جذب کرده و سرانجام، با قیام سیاه جامگان بر دولت اموی غلبه کنند.

* پنجمین امام شیعه توانست خلاء فکری - فرهنگی جامعه را پر کند

در دوران امامت باقرالعلوم (ع)، رقابت افکار کلامی گمراه با مکتب اهل بیت (ع) به شدت زیاد بود. این رقابت در خارج از مرزهای معرفتی اسلام شکل گرفته بود و مقابله با آن، در جهت پاسخگویی به شبهه‌های وارده، به یک انسجام فکری درونی و رهبری مقتدرانه فرهنگی نیاز داشت که وجود پنجمین امام شیعه، توانست خلاء فکری - فرهنگی جامعه را پر کند، از طرف دیگر جریان‌های انحرافی، که در حوزه تشیع رخ می‌داد، آسیب و مانعی جدی به شمار می‌آمد. هرچند که برخی از این جریان‌ها با تدبیر امامان معصوم (ع) در همان ابتدای راه در جا زدند؛ اما شیطنت‌های آنها در مقابله با تشیع راستین، در همان زمان‌های کوتاه، باعث ایجاد ضربه‌هایی به بدنه فکری جامعه شیعه شد، حضور به‌موقع امام باقر (ع) و امام صادق (ع) مانع گسترش و استحکام پایه‌های فکری و اجتماعی آن فرقه‌ها شد، همچنین بنی‌امیه نیز با دامن زدن به انحرافات عقیدتی و سختگیری‌های سیاسی علیه امام باقر (ع) عرصه را برای انجام فعالیت‌های ایشان تنگ کرده بود، در ذیل به معرفی هرچه بیشتر این فرقه‌ها می‌پردازیم:

* امام باقر (ع) با اتخاذ موضعی تند و آشکار با «؛مرجئه«؛ مخالفت کرد

1- فرقه مرجئه:

این فرقه در پایان نیمه اول قرن اول هجری پدید آمد، آنان بر این باور بودند که مرتکب گناهان کبیره، مخلد در دوزخ نمی‌ماند، بلکه کار او را به خدا وا می‌گذاشتند و به این دلیل آنان را مرجئه می‌خواندند که آنان نیت را کافی می‌دانستند و بر این باور بودند که خدا نیز بر آن بسنده می‌کند و عذابشان نخواهد کرد.

این فرقه مرجئه از چهار گروه تشکیل شده که عبارت اند از: «؛یونسیه«؛، «؛عبدیه«؛، «؛فسانیه«؛ و «؛ثوبانیه«؛؛ که هر یک اعتقادات خاص خود را دارند، این فرقه در دوره امامت امام باقر (ع) نیز به فعالیت خود ادامه داد.

امام با اتخاذ موضعی تند و آشکار با آنان مخالفت کرد و هر جا سخنی از آنان به میان می‌آمد، آنان را لعن و نفرین می‌کرد و می‌فرمود: «؛پروردگارا، پیروان گروه مرجئه را از رحمت خود دور فرما که آنان دشمنان ما در دنیا و آخرت هستند«؛.

2- فرقه جبریه و قدریه:

جبریه بر این باور بودند که انسان از خویش هیچ گونه اختیاری ندارد و مجبور است، در مقابل آن، فرقه قدریه بر این اعتقاد بودند که

هر بندهای به وجود آورنده فعل خود است و خدا، کار او را به خودش وا نهاده و انسان حتی در اسباب کار یا انگیزه آن هم مختار است. این فرقه، درست در مقابل جبریه قرار داشت.

این دو مسلک نیز در زمان خلافت امویان و در دوران حکمرانی معاویه به وجود آمدند و نزاع این دو، در تاریخ، پیشینه ای دراز دارد و در دوران حکمرانی 171#& معاویه بن یزید و 171#& یزید بن ولید؛ به اوج خود رسید.

3- فرقه خوارج:

این گروه نیز پس از داوری بین امام علی (ع) و معاویه در جنگ صفین پدید آمد، هنگام بازگشت امام علی (ع) از صفین به کوفه، عده ای از لشکریان بر او شوریدند و حکمیت را بر خلاف اسلام دانستند و شعار 171#& لا حکم الا لله؛ سر دادند. در دوران امامت امام باقر (ع) نیز مناظراتی بین آن‌ها و امام در گرفت. امام در رد مبانی و باورهای اعتقادی شان، آنان را 171#& خسران زده ترین آفریدگان خدا؛ دانسته که 171#& دنیا و آخرت خود را تباه کرده اند؛ و به اصحاب خود می فرمود: به این پیمان گریزان 171#& خوارج؛ بگوئید: چگونه بر جدایی از علی (ع) گردن نهادید؛ با وجود این که خونتان را پیش تر در راه فرمان برداری از او ارزانی داشتید و در خشنود کردن خدا بر هم پیشی می گرفتید و اگر به شما گفتند که ما بر حکم الهی گردن نهاده بودیم و شعار 171#& لا حکم الا لله؛ سر دادند، در پاسخ بگوئید: مگر خدا حکمیت را در دین خود نپذیرفته است؟ و مگر آن را به داوری دو نفر وانگذاشته که فرموده: 171#& فابعثوا حکماً من أهله و حکماً من أهلها إن یریدا إصلاحاً یؤفّق الله بیئهما؛ [هرگاه میان زن و شوهر اختلاف افتاد] یک نفر از جانب شوهر و یک نفر از جانب زن [به عنوان] داور برانگیزید تا اگر اصلاح را خواستند، خدا آنان را بر آن موفق سازد، آیا رسول خدا (ص) در ماجرای 171#& بنی قریظه؛ سعد بن معاذ را داور معرفی نکرد تا بر آن چه مورد پذیرش خداست، حکم کند؟ آیا نمی دانید که امیرالمؤمنین (ع) با این شرط حکمیت را پذیرفت که آن دو حکم بر اساس کتاب خدا حکم کنند و از آن فراتر نروند؟ آیا نگفت که اگر حکم آن‌ها بر خلاف کتاب خدا باشد نخواهد پذیرفت؟ وقتی داوری به پایان رسید، به علی (ع) گفتند: کسی را داور خود ساختی که بر ضد تو حکم داد، آیا امیرالمؤمنین (ع) نفرمود: من به داوری کتاب خدا تن دادم، نه داوری یک شخص؟ حال باید گفت، در کجای این حکمیت انحراف از حکم قرآن است؟ و این در حالی است که امام علی (ع) فرموده بود که حکمی را که خلاف قرآن باشد؛ نخواهد پذیرفت، اتهام آنان به امیرالمؤمنین (ع) پوچ و بی اساس است؛

در مناظره ای دیگر، یکی از بزرگان خوارج که به برتری امیرالمؤمنین اقرار داشت، او را به کفر پس از ایمان در فرمان برداری از خدا و رسولش متهم کرد، امام باقر (ع) به او فرمود: 171#& آیا آن روز که خدا علی (ع) را دوست داشت، نمی دانست که او روزی به دست یکی از اهل نهران (خوارج) کشته می شود؟ مرد خارجی پذیرفت.

امام پرسید: 171#& آیا محبت خدا به علی (ع) از روی فرمان برداری او از دستورهایی خدا بود یا از روی گناه و سرکشی او؟ مرد گفت: 171#& پیدا است که از روی بندگی و اطاعت علی (ع) بوده؛ امام فرمود: [پس حال که علی (ع) از روی اطاعت و فرمان برداری مورد محبت خدا واقع شده و خدا او را دوست می داشته، واضح است که تمامی اعمالش مورد پسند خدا بوده است] اینک بر خیز و برو! مرد خارجی که در میدان بحث و مناظره با امام به سادگی شکست خورده بود، زیر لب گفت: 171#& الله أعلم حیث یجعل رسالته؛ خدا بهتر می داند که رسالت خود را بر دوش که نهد؛

4- فرقه غلات:

غلات به معنای 171#& گزافه گویان؛ است. ایشان فرقه ای از شیعه هستند که درباره امامان خود گزافه گویی کرده و آنان را تا سرحد خدایی رسانیده اند و یا قایل به حلول جوهر نورانی الهی در امامان شده اند یا به تناسخ قایل گردیده اند.

5- فرقه مغیره:

آنان پیروان 171#& مغیره بن سعید عجللی؛ و فرقه ای از غلات بودند که اعتقاد به رؤیت و تجسیم و نیز امامت او (مغیره) پس از امام باقر (ع) داشتند و می گفتند: او منجی آخرالزمان است؛ نمی میرد و ظهور خواهد کرد. هنگامی که او به قتل رسید، در بین یاران و پیروانش اختلاف افتاد و دسته ای از آنان در پندار انتظار ظهور او و رجعتش باقی ماندند و دسته ای دیگر قائل به انتظار ظهور امام باقر (ع) شدند، او فتاوی عجیبی در احکام دین از خود صادر کرد، مغیره در ابتدا قایل به امامت امام باقر (ع) بود، ولی پس از مدتی، به غلو روی آورد و به خداوندی امام باقر (ع) معتقد شد، گاه نیز به یارانش در مورد امام می گفت: 171#& منتظر ظهور او باشید که او باز خواهد گشت و جبرئیل و میکائیل با او بین رکن و مقام بیعت خواهند نمود؛

امام باقر (ع) در روایات بسیاری او را لعن کرده، فرمود: 171#& خداوند و رسول اکرم، مغیره بن سعید را از رحمت و دوستی خود دور گردانند که او دروغ های بسیاری بر ما اهل بیت بست؛

6- فرقه جارودیه:

171#& جارودیه؛ یکی از فرق 171#& زبیده؛ است که رهبری آن را 171#& ابوالجارود زیاد بن منذر سرحوب؛ بر عهده داشت، او از دانشمندان و شاگردان امام باقر (ع) بود؛ او نابینای مادرزاد بود و لقب سرحوب را امام باقر (ع) به او داد که نام شیطانی نابیناست که در دریاها زندگی می کند، از این رو، نام دیگر این فرقه را 171#& سرحوبیه؛ نیز گفته اند.

آنان پس از شهادت امام حسین (ع) امامت را در فرزندان او و امام حسن (ع) می دانند و هر که از فرزندان آن دو امام به پا خیزد و قیام کند، پیرویش را در مقام امام، واجب می دانند.

امام باقر (ع) در دوران زندگانی خود، هر گاه ابوالجارود را می دید، او را ارشاد می کرد و شیعیان را از نزدیک شدن به او باز می داشت و می فرمود: 171#& او شیطانی نابیناست. او کورچشم و کوردل است؛

* تعدادی از مجموعه بزرگ «اصول اربعه‌آئمه؛ شیعه در زمان امام باقر (ع) تدوین شد بررسی اوضاع این دوران، از لحاظ فرهنگی نیز در خور اهمیت است. یکی از مسایل مهم فرهنگی آن روز، موضوع منع کتابت حدیث است. این موضوع از زمان خلفای نخستین با انگیزه سیاسی و در پوشش انگیزه دینی و دلسوزی در مورد قرآن و حفظ آن از آمیختگی با حدیث آغاز و در اجرای آن با شدت عمل رفتار شد.

بسته شدن راه دسترسی به احادیث نبوی، میدان را برای حدیث‌سازان و دروغ‌پردازان باز کرد و آنان با انگیزه‌های عمدتاً سیاسی، مذهبی، شخصی و مادی و از همه مهمتر به سفارش حاکمان و خلیفگان، حدیث‌هایی را جعل کردند و پراکنده ساختند.

در دوره امام باقر (ع) با توجه به تعداد شاگردان و فراوانی موضوع‌ها و علوم تدریس شده و عنایت و توجه امام به احادیث پیامبر (ص) به ویژه در این دوره که رفع ممنوعیت کتابت حدیث شده بود، شاهد تعداد فراوانی از کتاب‌ها و رساله‌ها از شاگردان حضرت هستیم که تعدادی از آن مجموعه بزرگ، بخشی از اصول اربعه‌آئمه است، این اصول که در ابواب مختلف فقه و معارف اسلامی بود، بعدها مرجع و مستند اربابان حدیث در تاریخ و فقه شیعه قرار گرفت.

فعالیت‌های علمی و فرهنگی امام سجاد (ع)، زمینه‌ساز تاسیس مکتب و مدرسه‌ای جامع و یا به تعبیر دقیق‌تر، دانشگاه اهل بیت (ع) در زمان امام باقر (ع) شد؛ دانشگاهی که فقیهان دوران را تحت تاثیر خویش قرار داد و شاگردانی تربیت کرد.

امام باقر (ع) که در شما شاگردان پدر بود، پس از شهادت آن حضرت (ع) به جای وی بر کرسی استادی آن تکیه زد، تعداد فراوان دانشجویان و شاگردان در آن حوزه درسی و نیز تنوع چشمگیر علوم و دانش‌های تدریس شده، از اهمیت و گستردگی سیطره علمی و فرهنگی امام حکایت می‌کند.

* نهضت علمی امام باقر (ع) سنگرهای جهل و نادانی را یکی پس از دیگری فتح کرد
فعالیت فرهنگی امام، نهضت علمی مقدسی بود که در صحنه جهاد فرهنگی به پرچمداری امام معصوم، آگاه و باقرالعلوم، سنگرهای جهل و نادانی را یکی پس از دیگری فتح کرد و زنگار از رخ آئینه اسلام زدود.
امام باقر (ع) برای کسب موفقیت بیشتر در این جبهه، لازم دانست شیوه تقیه را در مبارزات سیاسی پیشه سازد تا از این ناحیه آسیبی به آن جهاد مقدس وارد نیاید.

برخی از رهاوردهای این نهضت علمی عبارت است از:

1- استوار کردن پایه‌های عقیدتی و باورهای دینی مردم و امت اسلامی

2- بسط و گسترش فرهنگ دینی و فقهی و تبیین احکام شرعی

3- تربیت شاگردانی کارآمد و نقش‌آفرین در صحنه‌های فقهی، کلامی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی.

4- حفظ تشکیلات شیعی از خطر نابودی کامل به دست امویان

5- نقد و بطلان اندیشه‌های انحرافی و شبهه‌های وارد شده در قلمرد عقاید مسلمانان

امام باقر (ع) پس از عمری با برکت و تلاش‌های مستمر و پیگیری برای احیای دین اسلام و ترویج علم و تبیین معارف اسلامی و تثبیت مبانی اعتقادی و اندیشه‌های شیعی در روز هفتم ذی‌الحجه سال 114 قمری به وسیله سمی که به دست ابراهیم‌بن ولیدبن عبدالملک به حضرت خوراندند شد، به شهادت رسید و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد.

نویسنده: آزاده لرستانی

خبرگزاری فارس